

واکاوی تطبیقی ریخت‌شناسی افسانه‌های عامیانه فارسی و ترکی با تکیه بر الگوی ساختاری ولادیمیر پراپ (مطالعه موردی: افسانه‌های ایرانی؛ جلد اول و افسانه‌های دیار شهریار)

رحیم چابک^۱، فرشاد ولی زاده^۲، نسرين چیره^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران

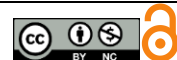
۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: farshad101@iau.ir

چکیده

افسانه‌های عامیانه به‌عنوان بخشی مهم از فرهنگ و ادبیات شفاهی، بازتاب‌دهنده باورها، ارزش‌ها، جهان‌بینی و شیوه زندگی جوامع هستند. پژوهش حاضر با هدف واکاوی تطبیقی ساختار روایی افسانه‌های عامیانه فارسی و ترکی و بررسی میزان انطباق آن‌ها با الگوی ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ انجام شده است. این پژوهش از نظر روش، کیفی و با رویکرد تحلیلی - تطبیقی انجام گرفت. جامعه پژوهش شامل افسانه‌های دو مجموعه «افسانه‌های ایرانی؛ جلد اول» به گردآوری محمد قاسم‌زاده و «افسانه‌های دیار شهریار» به گردآوری جعفر کوهی است. داده‌ها به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری و هر روایت به‌عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شد. سپس ساختار افسانه‌ها بر اساس ۳۱ خویشکاری و هفت حوزه کنش شخصیت‌ها در الگوی پراپ بررسی و از نظر حضور، حذف، تکرار، ادغام و جابه‌جایی خویشکاری‌ها با یکدیگر مقایسه شدند. یافته‌ها نشان داد که افسانه‌های هر دو مجموعه، با وجود تفاوت‌های زبانی و فرهنگی، در بسیاری از موارد از الگوی بنیادین مشترکی شامل ایجاد فقدان یا آسیب، حرکت قهرمان، قرارگرفتن در معرض آزمون، دریافت یاری، مبارزه، پیروزی، رفع کمبود و بازگشت پیروی می‌کنند. با این حال، انطباق روایت‌ها با الگوی کلاسیک پراپ کامل و مکانیکی نیست و متناسب با زمینه‌های فرهنگی و روایی، برخی خویشکاری‌ها حذف، تکرار یا با یکدیگر ادغام شده‌اند. افسانه‌های ایرانی ساختاری منسجم‌تر و نزدیک‌تر به الگوی کلاسیک پراپ دارند، درحالی‌که افسانه‌های دیار شهریار کوتاه‌تر، فشرده‌تر و ساده‌تر بوده و در آن‌ها برخی نقش‌های روایی، مانند یاریگر و بخشنده، در یک شخصیت ادغام شده‌اند. در مجموع، نتایج نشان می‌دهد که نظریه پراپ چارچوبی مناسب برای تحلیل تطبیقی افسانه‌های فارسی و ترکی است؛ با این حال، کاربست آن باید با توجه به ویژگی‌های بومی، فرهنگی، زبانی و شیوه انتقال روایت‌ها صورت گیرد.

کلیدواژه‌گان: ریخت‌شناسی، ولادیمیر پراپ، افسانه‌های عامیانه، افسانه‌های فارسی، افسانه‌های ترکی



شیوه استناددهی: چابک، رحیم، ولی زاده، فرشاد، و چیره، نسرين. (۱۴۰۴). واکاوی تطبیقی ریخت‌شناسی افسانه‌های عامیانه فارسی و ترکی با تکیه بر الگوی ساختاری ولادیمیر پراپ (مطالعه موردی: افسانه‌های ایرانی؛ جلد اول و افسانه‌های دیار شهریار). گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۳(۲)، ۱-۲۱.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۵ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۲ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۳۰ شهریور ۱۴۰۴

The Treasury of Persian Language and Literature

A Comparative Morphological Analysis of Persian and Turkish Folktales Based on Vladimir Propp's Structural Model (Case Study: Iranian Folktales, Volume One and Folktales of the Land of Shahriar)

Rahim Chabok¹, Farshad Valizadeh^{2*}, Nasrin Chireh²

1. PhD Student, Department of Persian Language and Literature Mah.C., Islamic Azad University, Mahabad, Iran

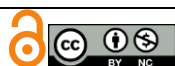
2. Department of Persian Language and Literature Mah.C., Islamic Azad University, Mahabad, Iran

*Corresponding Author's Email: farshad101@iau.ir

Abstract

Folktales, as an important component of oral culture and literature, reflect the beliefs, values, worldviews, and ways of life of societies. The present study aimed to comparatively analyze the narrative structures of Persian and Turkish folktales and to examine the extent to which they conform to Vladimir Propp's morphological model. Methodologically, this study employed a qualitative research design with an analytical-comparative approach. The research corpus comprised folktales from two collections: Iranian Folktales, Volume One, compiled by Mohammad Qasemzadeh, and Folktales of the Land of Shahriar, compiled by Jafar Kouhi. Data were collected through documentary and library-based research, with each narrative treated as a unit of analysis. The structure of the folktales was then examined according to Propp's 31 narrative functions and seven spheres of action, and the narratives were compared in terms of the presence, omission, repetition, integration, and displacement of these functions. The findings revealed that, despite linguistic and cultural differences, folktales in both collections frequently follow a shared underlying pattern involving the emergence of a lack or harm, the hero's departure, exposure to a test, receipt of assistance, struggle, victory, liquidation of the initial lack, and return. Nevertheless, the narratives do not conform completely or mechanically to Propp's classical model; rather, depending on their cultural and narrative contexts, certain functions are omitted, repeated, or integrated with one another. The Iranian folktales exhibit a more coherent structure and closer correspondence with Propp's classical model, whereas the folktales from the Land of Shahriar are shorter, more condensed, and structurally simpler, with certain narrative roles, such as those of the helper and donor, merged into a single character. Overall, the findings demonstrate that Propp's theory provides an appropriate framework for the comparative analysis of Persian and Turkish folktales; however, its application should take into account the indigenous, cultural, and linguistic characteristics of the narratives as well as their modes of transmission.

Keywords: *morphology, Vladimir Propp, folktales, Persian folktales, Turkish folktales*



How to cite: Chabok, R., Valizadeh, F., & Chireh, N. (2025). A Comparative Morphological Analysis of Persian and Turkish Folktales Based on Vladimir Propp's Structural Model (Case Study: Iranian Folktales, Volume One and Folktales of the Land of Shahriar). *The Treasury of Persian Language and Literature*, 3(2), 1-21.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 22 April 2025

Revise Date: 06 September 2025

Accept Date: 13 September 2025

Final Publish: 21 September 2025

مقدمه

قصه‌ها و افسانه‌ها به‌عنوان ژانری مهم از ادبیات، آینه باورها، آرزوها، روحیات، دانش و جهان‌بینی گذشتگان و بیانگر بسیاری از ناگفته‌های زندگی آنان است (1). افسانه، شکل ساده‌شده‌ی اساطیر است که کشمکش‌های درونی آدمی را شخصیت و تجسم می‌بخشد. افسانه‌ها آمیخته با زندگی روزمره‌ی مردم و دربردارنده‌ی آرزوهای خیالی مرتبط با وضع موجود هستند (2). واژه اسطوره کلمه‌ی از واژه یونانی هیستوریا به معنی «جست‌وجو، آگاهی و داستان» گرفته شده است. مفهوم اسطوره در زبان‌های اروپایی از بازمانده‌ی واژه یونانی میتوس به معنی «شرح، خبر و قصه» استفاده شده است. ارائه تعریف کامل از اسطوره که دربرگیرنده همه مفاهیم آن باشد کار آسانی نیست. در فهم عامه و در برخی از فرهنگ‌ها، اسطوره معنی «آنچه خیالی و غیرواقعی است و جنبه افسانه‌ای محض دارد» یافته است؛ اما اسطوره را باید داستان و سرگذشتی «مینوی» دانست. در اسطوره، وقایع از دوران اولیه نقل می‌شود. به عبارت دیگر، سخن از این است که چگونه هر چیزی پدید می‌آید و به هستی خود ادامه می‌دهد. شخصیت‌های اسطوره را موجودات مافوق‌طبیعی تشکیل می‌دهند و همواره هاله‌ای از تقدس، قهرمانه‌ای مثبت آن را فراگرفته است (3). اما اسطوره را نباید با روایات عامیانه درآمیخت، اگرچه برخی از روایات عامیانه از اسطوره‌ها مایه می‌گیرند. در تعریف روایات عامیانه آمده است: «داستان‌های عامیانه از زندگی توده مردم سرچشمه می‌گیرد و به همین سبب با آن پیوندی ناگسستنی دارد و از این راه است که می‌توان به آداب و رسوم مردم، طرز لباس پوشیدن، غذا خوردن، مهمانی، معاشرت و نشست و برخاست آنها با یکدیگر و پی برد» (4). از جمله محققینی که به قصه‌ها و افسانه‌ها توجه کردند و آنها را موضوع کار خود قرار دادند، فرمالیست‌های روس بودند. این ژانر مطرود را با یافته‌های زبان‌شناسی مورد مطالعه قرار دادند. ولادیمیر پراپ برای اولین بار ۱۰۰ قصه‌ی روسی را با روش

فرمالیستی خود، موسوم به ریخت‌شناسی، مورد بررسی قرار داد و دریافت که در سراسر این قصه‌ها عناصری ثابت وجود دارند که مستقل از اشخاص انجام‌دهنده‌ی آن و نوع انجام گرفتنشان با توالی دقیق تکرار می‌شود. ریخت‌شناسی رویکرد ساختارگرایانه و فرمالیستی است که نخستین بار ولادیمیر پراپ، مردم‌شناس روس، آن را در زمینه مطالعه قصه‌ها به کار برد. ریخت‌شناسی یکی از اصطلاحاتی است که در علوم متعددی مانند زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی، ادبیات و غیره کاربرد دارد و از لحاظ واژگانی به معنی «بررسی و شناخت ریخت‌هاست» (5). ریخت‌شناسی در اصطلاح ادبی یکی از شیوه‌های تنظیم و طبقه‌بندی قصه، تجزیه و تحلیل ساختار و قالب این آثار است که پراپ برای اولین بار به تبعیت از زیست‌شناسان، ایده و نظریه فرمالیست‌ها را ریخت‌شناسی نامید. روش ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ یکی از بهترین شیوه‌های تحلیل و طبقه‌بندی ریخت‌شناسی افسانه‌ها و قصه‌های قومی است. در نظریه ریخت‌شناسی پراپ هر یک از قصه‌ها، یک ساختار بنیادی دارند که خواننده از وجود آن خبر ندارد (1). در سال‌های اخیر، الگوی وی به‌عنوان یکی از شیوه‌های رایج تحلیل ساختاری قصه‌های ملل، مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین اگر قصه‌های عامیانه چنین ساختاری داشته باشند، می‌توان این الگو را بر روی قصه‌های عامیانه ایرانی نیز پیاده کرد. هرچند پراپ الگوی ریخت‌شناسی را بر روی قصه‌های پریان روسی پیاده کرد، اما تحقیقات نشان داده (1، 3، 4، 6-8) که این رویکرد قابل تعمیم بر روی قصه‌های همه اقوام و ملت‌ها است. در میان انواع مختلف ادبیات فولکلوریک، افسانه‌های آذربایجان جزو افسانه‌های کهن، زیبا و پرمحتوایی است که تصاویر روشنی از جهان‌بینی، طرز تفکر و خصوصیات ملی، آداب و رسوم و معیشت مردم آذربایجان در اعصار مختلف تاریخ ارائه می‌دهد. وسعت اطلاعات، تنوع موضوعات و قدمت تاریخی ارائه‌شده در این داستان‌ها، آذربایجان را به‌عنوان یکی از کانون‌های

آفرینش و تأثیرگذار افسانه‌های عامیانه معرفی کرده است. بررسی طرح‌شناختی افسانه‌های آذربایجان در راستای پی بردن به اعتقادات، باورها، آداب و رسوم و ... مردم آذربایجان کمک زیادی کرده است. اعتقادات و باورهایی که سرشار از اتفاقات جادویی شگفت‌انگیزند، با دخالت موجوداتی نظیر دیو و پریزاد و ... شکل می‌گیرند و در آنها حوادث خارق‌العاده به صورت خلق‌الساعه رخ می‌دهند؛ یعنی زمینه‌چینی مناسبی برای این رخدادها ارائه نمی‌شود (2). قصه‌های کُردی، قصه‌هایی هستند که جلوه‌های خرق عادت، پیرنگ‌های ضعیف و کلی‌گرایی در آنها بسیار بارز است و قهرمانانی از دنیای عامه دارند. این قصه‌ها سینه‌به‌سینه و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته‌اند و منبعی غنی و دست‌نخورده از معارف اولیه بشر محسوب می‌شود (9). از این رو، هدف این پژوهش مقایسه ساختار افسانه‌های فارسی (افسانه‌های ایرانی جلد ۱)، ترکی (افسانه‌های دیار شهریار) بر اساس نظریه ریخت‌شناسی پراپ است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر روش، کیفی و با رویکرد تحلیلی - تطبیقی انجام شده است. چارچوب نظری پژوهش بر نظریه ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ استوار است؛ نظریه‌ای که ساختار روایت‌های عامیانه را بر پایه توالی کنش‌های شخصیت‌ها، یا همان خویشکاری‌ها، و نقش‌های روایی آنان تحلیل می‌کند. هدف پژوهش، مقایسه ساختار افسانه‌های فارسی و ترکی و بررسی میزان انطباق آن‌ها با الگوی کلاسیک پراپ است. جامعه پژوهش شامل دو مجموعه افسانه‌های ایرانی، جلد اول، گردآوری و بازنویسی محمد قاسم‌زاده، و افسانه‌های دیار شهریار، گردآوری جعفر کوهی، است. مجموعه نخست نماینده افسانه‌های فارسی و مجموعه دوم دربرگیرنده روایت‌های محلی آذربایجان و نماینده افسانه‌های ترکی است. در این پژوهش، هر افسانه یا روایت مستقل به‌عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شده و رخدادها، کنش‌های

شخصیت‌ها و روابط میان عناصر داستانی در هر روایت بررسی شده است. اطلاعات به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای و با مطالعه مستقیم متن چاپی افسانه‌ها گردآوری شدند. پس از مطالعه و بازخوانی چندباره روایت‌ها، رخدادها و کنش‌های اصلی هر افسانه استخراج و بر اساس ۳۱ خویشکاری پراپ کدگذاری شد. همچنین، نقش شخصیت‌ها با توجه به هفت حوزه کنش پراپ، شامل قهرمان، بدکار، یاریگر، بخشنده، اعزام‌کننده، شاهدخت یا شخص مورد جست‌وجو و قهرمان دروغین، شناسایی و تحلیل گردید. در ادامه، ساختار افسانه‌های دو مجموعه از نظر حضور یا حذف خویشکاری‌ها، ترتیب وقوع آن‌ها، تعداد حرکت‌های داستانی و چگونگی توزیع نقش‌های شخصیتی با یکدیگر مقایسه شد. افزون بر این، موارد تکرار، جابه‌جایی، ادغام یا جایگزینی خویشکاری‌ها بررسی شد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری میان افسانه‌های فارسی و ترکی مشخص شود. برای افزایش اعتبار پژوهش، یافته‌ها به‌طور مستمر با متن اصلی افسانه‌ها و تعاریف نظری پراپ تطبیق داده شد و نمونه‌هایی از کدگذاری و تحلیل نیز توسط استاد راهنما و یک پژوهشگر آشنا با ادبیات عامیانه بازمینی گردید.

یافته‌های پژوهش

بررسی ساختار افسانه‌های دیار شهریار (نوشته جعفر کوهی)

مجموعه‌ی «افسانه‌های دیار شهریار» حاصل گردآوری میدانی جعفر کوهی است. این اثر از منظر مردم‌نگاری و ثبت فرهنگ محلی اهمیت بسزایی دارد. در مقایسه با دیگر آثار، روایت‌ها در این کتاب کوتاه‌تر، ساده‌تر و واقع‌گرایانه‌ترند و کمتر از عناصر جادویی و تخیلی بهره می‌برند. هدف اصلی نویسنده، حفظ زبان و ذهنیت مردم محلی بوده است. در این بخش افسانه‌های زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

– داستان «سازیم دینقیر، دینقیر»

سه برادر زندگی ساده‌ای دارند. یکی از آن‌ها برای کار به ولایتی دیگر می‌رود. در مسیر به خانه‌ای می‌رسد و مهمان خانواده‌ای می‌شود. صاحب‌خانه گربه‌ای دارد و سفارش می‌کند از او مراقبت شود. در ادامه گربه از خانه بیرون می‌پرد و فرار می‌کند. مرد برای گرفتن گربه به دشت می‌رود و آن را دنبال می‌کند. اما گربه به نوعی موجود فراطبیعی تبدیل می‌شود (یا نماد سرنوشت است) و

– تحلیل ریخت‌شناختی داستان بر پایه‌ی الگوی ولادیمیر پراپ

جدول ۱. فهرست نمادین کارکردها بر پایه‌ی نشانه‌گذاری پراپ

نماد پراپ	نام کارکرد	رویداد در داستان
α	صحنه آغازین	معرفی سه برادر با زندگی ساده
β	مرگ یا فقدان اولیه	فقر یا کمبود در زندگی برادران
γ	نهی یا دستور	سفارش صاحب‌خانه به نگهداری از گربه
δ	نقض نهی یا اجرای دستور	گربه از خانه بیرون می‌پرد و فرار می‌کند
ϵ	خبرگیری	قهرمان به دنبال گربه می‌رود تا آن را بیابد
η	فریب یا آزمون	گربه به موجودی فراطبیعی تبدیل می‌شود و قهرمان را می‌آزماید
θ	همدستی	قهرمان از روی صداقت و نیت پاک با گربه همکاری می‌کند
A	شرارت / آسیب	فقر و ناکامی اولیه قهرمان در زندگی
a	کمبود و نیاز	نیاز به ثروت و بهبود وضعیت
B	مأموریت یا دستور	مأموریت ضمنی: یافتن گربه و ادای مسئولیت
C	مقابله آغازین	تلاش برای دنبال کردن گربه در دشت و روبه‌رو شدن با ناشناخته‌ها
$\uparrow$	عزیمت (خروج از خانه)	ترک خانه و حرکت به سوی دشت ناشناخته
D	نخستین خویشتکاری بخشنده	گربه (در هیئت فراطبیعی) به عنوان «بخشنده» ظاهر می‌شود
E	واکنش قهرمان	واکنش مثبت، صداقت و نیت پاک در برابر آزمون
F	دریافت ابزار جادویی	گربه به او طلا، مال یا نیروی خوشبختی می‌دهد
G	انتقال مکانی / راهنمایی	بازگشت قهرمان از دشت به خانه با مال فراوان
H	کشمکش یا نبرد نهایی	حسادت دو برادر دیگر و تلاش برای تقلید
I	پیروزی قهرمان	قهرمان واقعی (برادر اول) موفق باقی می‌ماند، دو برادر شکست می‌خورند
K	آگاهی / کشف	مردم درمی‌یابند که نیت نیک شرط خوشبختی بوده
$\downarrow$	بازگشت قهرمان	بازگشت به زندگی با ثروت و آرامش
Q	شناخته شدن	شناخته شدن به عنوان مردی نیک و خوش اقبال
U	مجازات	دو برادر حسود و طماع دچار شکست و مجازات می‌شوند
W	پاداش نهایی / سعادت	سعادت و کامیابی قهرمان با نیت پاک

جدول ۲. شخصیت های داستان سازیم دینقیر، دینقیر

توضیح عملکرد در روایت	شخصیت(ها) در داستان	نقش پرایی
آنان با نیت ناپاک وارد مسیر می شوند و مجازات می شوند؛ نماینده طمع و حسادت.	دو برادر حسود	شریر
قهرمان را می آزماید و در صورت صداقت، پاداش می دهد؛ قدرت جادویی دارد.	گره / فراطبعی / موجود بخشنده	شگفت انگیز
از خانه خارج می شود، آزمون را پشت سر می گذارد و پاداش نهایی را می گیرد.	برادر اول (مسافر نیک نیت)	قهرمان
راهنمای قهرمان در مسیر دشوار است و او را به ثروت می رساند.	گره (در وجه دیگرش) و نیروی	یاریگر
می کوشند مسیر قهرمان را تقلید کنند اما به سبب طمع و دروغ شکست می خورند.	دو برادر دیگر	قهرمان دروغین
او با سفارش خود سبب آغاز سفر قهرمان می شود.	صاحب خانه / سفارش نگهداری از	گسیل دارنده
	گره	
پاداش نهایی که قهرمان با نیت درست به دست می آورد؛ پدر نماد عدالت و قانون اخلاقی است.	ثروت و سعادت نهایی (پاداش)	شاهزاده خانم و پدرش

- نمودار توالی کارکردهای پراپ

$$\alpha \rightarrow \beta \rightarrow \gamma \rightarrow \delta \rightarrow \varepsilon \rightarrow \eta \rightarrow \theta \rightarrow A \rightarrow a \rightarrow B \rightarrow C \rightarrow \uparrow \rightarrow D \rightarrow E \rightarrow F \rightarrow G \rightarrow H \rightarrow I \rightarrow K \rightarrow \downarrow \rightarrow Q \rightarrow U \rightarrow W$$

- داستان «افسانه بز»

و از بزغاله نجات یافته می فهمد چه شده. سپس به دنبال گرگ می رود، او را پیدا می کند، فرییش می دهد و شکمش را می شکافد؛ بزغاله ها را نجات می دهد و در شکم گرگ سنگ می گذارد. گرگ از خواب بیدار می شود، به رودخانه می رود و در آب می افتد و می میرد. در پایان، بز و بزغاله هایش با شادی به خانه بازمی گردند.

روزی بزی بود با پنج بچه. بز برای چرا به کوه می رفت و به بچه هایش سفارش می کرد که در را برای غریبه باز نکنند. گرگ از فرصت استفاده می کند، صدای بز را تقلید می کند و بچه ها را فریب می دهد. او وارد خانه می شود و همه بزغاله ها را می بلعد، به جز یکی که پنهان می شود. بز برمی گردد، فاجعه را می بیند، گریه می کند

- تحلیل ریخت شناختی داستان بر پایه ی الگوی ولادیمیر پراپ

جدول ۳. فهرست نمادین کارکردها بر پایه ی نشانه گذاری پراپ

نماد پراپ	نام کارکرد	رویداد در داستان
α	صحنه آغازین	معرفی بز و پنج بزغاله در خانه
γ	نهی یا دستور	بز به بچه هایش می گوید در را برای غریبه باز نکنند
δ	نقض نهی یا فریب و همدستی	گرگ صدای بز را تقلید می کند و بچه ها فریب می خورند، در را باز می کنند
A	شرارت / آسیب	گرگ وارد خانه می شود و بزغاله ها را می بلعد
ε	خبرگیری	بز بازمی گردد و با صحنه ی نابودی مواجه می شود
ζ	خبردهی	بزغاله ی پنهان شده، ماجرا را برای مادر بازگو می کند
B	مأموریت یا تصمیم برای انتقام	بز تصمیم می گیرد گرگ را پیدا کند و بچه هایش را نجات دهد
$\uparrow$	عزیمت (حرکت از خانه)	بز به دنبال گرگ به جنگل می رود
D	نخستین خویشتکاری بخشنده	بز باید گرگ را فریب دهد تا بتواند انتقام بگیرد

E	واکنش قهرمان	بز با نیرنگ، گرگ را فریب می‌دهد و او را در خواب می‌یابد
H	کشمکش / نبرد نهایی	بز شکم گرگ را می‌شکافد و بزغاله‌ها را نجات می‌دهد
I	پیروزی	بز موفق می‌شود؛ گرگ شکست می‌خورد
K	آگاهی / کشف	بزغاله‌ها از داخل شکم آزاد می‌شوند و همه درمی‌یابند که نیرنگ مادر نجاتشان داده است
U	مجازات شریر	گرگ با سنگ در شکمش از خواب بیدار می‌شود، به آب می‌افتد و می‌میرد
W/↓	بازگشت قهرمان و پاداش نهایی	بز با بزغاله‌ها به خانه بازمی‌گردد و شادی برقرار می‌شود

جدول ۴. شخصیت های داستان افسانه بز

توضیح عملکرد در روایت	شخصیت(ها) در داستان	نقش پرایی
عامل شر، فریبکار و ویرانگر آرامش خانواده؛ تقلید صدای مادر، نشانه‌ی نیرنگ و دروغ است.	گرگ	شریر
او در مسیر آزمون هوش و تدبیر خود را می‌آزماید و راه نجات می‌یابد؛ در این داستان، قهرمان و بخشنده در یک شخصیت ادغام شده‌اند.	خود بز (در وجه خردمند و مادرانه)	بخشنده
عامل اصلی اقدام و پیروزی؛ او با شجاعت و هوشمندی بچه‌هایش را نجات می‌دهد.	بز مادر	قهرمان
تنها بازمانده‌ای که واقعیت را گزارش می‌دهد و مادر را از فاجعه آگاه می‌کند.	بزغاله‌ی کوچک و هوشیار	یاربگر
در این داستان وجود ندارد، زیرا تقابل میان خیر و شر مستقیم است (گرگ = شریر واقعی).	—	قهرمان دروغین (
او با روایت ماجرا، قهرمان را به حرکت وامی‌دارد.	بزغاله‌ی پنهان‌شده	گسیل‌دارنده
پاداش نهایی قهرمان بازگرداندن فرزندان و نظم خانواده است.	بزغاله‌های نجات‌یافته و آرامش خانواده	شاهزاده‌خانم و پدرش

– نمودار توالی کارکردهای پراپ

$$\alpha \rightarrow \gamma \rightarrow \delta \rightarrow A \rightarrow \varepsilon \rightarrow \zeta \rightarrow B \rightarrow \uparrow \rightarrow D \rightarrow E \rightarrow H \rightarrow I \rightarrow K \rightarrow U \rightarrow \downarrow \rightarrow W$$

– داستان «پادشاه و چوپان»

احساس می‌کند و نگران سلامت اوست. وزیر که حسادت می‌کند، سخن چوپان را تحریف می‌کند و می‌گوید چوپان گفته پادشاه بوی بد دهان دارد. پادشاه خشمگین می‌شود و وزیر را فرا می‌خواند؛ اما با تدبیر چوپان، حقیقت آشکار می‌شود. پادشاه درمی‌یابد که وزیر دروغ گفته و او را تنبیه می‌کند. چوپان پاداش می‌گیرد و با خوشی به زندگی‌اش بازمی‌گردد.

چوپانی ساده‌دل هر روز با حیواناتش حرف می‌زند و رازهایی می‌گوید که برای دیگران عجیب است. آواز و زمزمه‌اش به گوش پادشاه می‌رسد. پادشاه کنجکاو می‌شود و وزیرش را برای بررسی می‌فرستد. وزیر با فریب چوپان را به دربار می‌برد. پادشاه با پرسش‌های پیاپی در پی فهمیدن راز سخنان چوپان است. چوپان با صداقت پاسخ می‌دهد که او از «بوی دهان پادشاه» بیماری را

– تحلیل ریخت‌شناختی داستان بر پایه‌ی الگوی ولادیمیر پراپ

جدول ۵. فهرست نمادین کارکردها بر پایه‌ی نشانه‌گذاری پراپ

نماد پراپ	نام کارکرد	رویداد در داستان
صحنه آغازین	α	چوپانی ساده و صادق در دشت با حیواناتش زندگی می‌کند
نهی یا دستور	γ	چوپان به سادگی و صداقت زندگی می‌کند و هشدار درونی دارد که نباید دروغ بگوید یا تظاهر کند

خبرگیری	ε	آواز چوپان به گوش پادشاه می‌رسد و کنجکاوی برانگیخته می‌شود
خبردهی	ζ	وزیر گزارش می‌دهد که چوپان سخنان عجیبی می‌گوید
فریب یا آزمون	η	وزیر با نیرنگ چوپان را به دربار می‌کشانند
شرارت یا آسیب	A	وزیر حسود سخن چوپان را تحریف می‌کند و پادشاه را علیه او می‌شوراند
واکنش قهرمان	E	چوپان با صداقت و تدبیر پاسخ می‌دهد و از خود دفاع می‌کند
کشمکش / نبرد نهایی	H	رویاریبی مستقیم چوپان و پادشاه در حضور وزیر
آگاهی / کشف	K	پادشاه درمی‌یابد وزیر دروغ گفته است
پیروزی قهرمان	I	بی‌گناهی چوپان ثابت می‌شود
مجازات شریر	U	وزیر تنبیه می‌شود یا از دربار رانده می‌شود
پاداش نهایی	W	پادشاه چوپان را پاداش می‌دهد و او با آرامش به روستا بازمی‌گردد

جدول ۶. شخصیت‌های داستان پادشاه و چوپان

توضیح عملکرد در روایت	شخصیت(ها) در داستان	نقش پرایی
عامل اصلی دروغ، تحریف و بحران؛ نیروی شر که علیه بی‌گناه اقدام می‌کند.	وزیر حسود	شریر
در پایان، پس از کشف حقیقت، عدالت برقرار می‌کند و پاداش می‌دهد.	پادشاه (در وجه خیرخواه)	بخشنده
شخصیت محوری که آزمون صداقت را می‌گذراند و پیروز می‌شود.	چوپان ساده‌دل و راست‌گو	قهرمان
نیروی معنوی که در غیاب یار بیرونی، قهرمان را یاری می‌دهد.	صداقت و خرد درونی چوپان	یاربرگر
می‌کوشد خود را دلسوز پادشاه نشان دهد ولی حقیقتاً دروغ‌گوست؛ نقش دوگانهٔ شریر و قهرمان	وزیر حسود (همزمان با شریر)	قهرمان دروغین
با کنجکاوی و فرمان خود، آغازگر مأموریت و آزمون چوپان می‌شود.	پادشاه کنجکاو	گسیل‌دارنده
پاداش قهرمان در پایان، بازشناسی و احترام در دربار است، نه ازدواج بلکه منزلت و حرمت.	پادشاه و دربار (پاداش و منزلت)	شاهزاده‌خانم و پدرش

– نمودار توالی کارکردهای پراپ

$$\alpha \rightarrow \gamma \rightarrow \varepsilon \rightarrow \zeta \rightarrow \eta \rightarrow A \rightarrow E \rightarrow H \rightarrow K \rightarrow I \rightarrow U \rightarrow W$$

– آدم‌های کم‌عقل

آدم‌هایی روبه‌رو می‌شود که کارهای عجیب و بی‌منطق انجام می‌دهند (مثلاً دختری که برای ازدواج با پسر مرده گریه می‌کند یا زن و شوهری که کارهای پوچ انجام می‌دهند). در پایان، پسر با دیدن این صحنه‌ها درمی‌یابد که خودش و خانواده‌اش در مقایسه با آن‌ها کم‌عقل نیستند.

جوانی با همسر و مادرش در روستا زندگی می‌کرد. روزی برای نهار به خانه بازگشت و دید کسی در خانه نیست. به طویله رفت و دید که الاغ گریه می‌کند. از مادر و همسرش دلیل گریه را می‌پرسد. هر یک از آنان به‌گونه‌ای غیرعقلانی رفتار می‌کنند و در نهایت، پسر برای پی‌بردن به ماجرا راهی سفر می‌شود. در مسیر، با

– تحلیل ریخت‌شناختی داستان بر پایه‌ی الگوی ولادیمیر پراپ

جدول ۷. فهرست نمادین کارکردها بر پایه‌ی نشانه‌گذاری پراپ

نماد پراپ	نام کارکرد	رویداد در داستان
صحنه آغازین	α	جوان با همسر و مادرش در روستا زندگی می‌کند
مرگ یا فقدان اولیه / کمبود	β / a	فقدان عقل و منطق در رفتار خانواده (نوعی کمبود درک)
نهی یا دستور	γ	جامعه یا تجربه زندگی تلویحاً او را وادار می‌کند حقیقت عقل و بی‌عقلی را درک کند
نقض یا اجرای دستور	δ	پسر تصمیم می‌گیرد از خانه بیرون برود و با جهان روبه‌رو شود

مأموریت / سفر قهرمان	↑ / B	پسر راهی سفر می‌شود تا بفهمد واقعاً چه کسی عاقل است
خویشکاری بخشنده	D	مواجهه با آدم‌های عجیب و رفتارهای غیرعقلانی
واکنش قهرمان	E	پسر ابتدا شگفت‌زده می‌شود، سپس به مقایسه و تأمل می‌پردازد
انتقال مکانی	G	سفر از روستا به مناطق دیگر و مواجهه با مردمان گوناگون
آگاهی / کشف	K	پسر درمی‌یابد که خودش و خانواده‌اش در برابر دیگران چندان هم کم‌عقل نیستند
بازگشت قهرمان	↓	پسر به خانه بازمی‌گردد با درکی تازه از زندگی و عقل
پاداش نهایی / آرامش ذهنی	W	آرامش و رضایت از درک تازهٔ زندگی؛ پذیرش خویش و خانواده

جدول ۸. شخصیت های داستان آدم های کم عقل

توضیح عملکرد در روایت	شخصیت(ها) در داستان	نقش پرایی
شخصیت جست وجوگر که برای فهمیدن مفهوم عقل و خرد سفر می کند	جوان روستایی	قهرمان
عامل بحران فکری؛ نیرویی نمادین نه انسانی	نادانی / جهل عمومی / رفتارهای غیرمنطقی انسان ها	شریر
به جای شخص، «زندگی و تجربه» آزمون گر و آموزگار قهرمان است	تجربه سفر و مشاهده دیگران	بخشنده
عامل درونی که به شناخت منجر می شود	خرد درونی / تأمل شخصی پسر	یارِیگر
در داستان وجود ندارد؛ تضاد درونی است، نه شخصی	—	قهرمان دروغین
انگیزه های که قهرمان را به سفر شناختی می فرستد	خود وضعیت خانه (رفتار مادر و همسر)	گسیل دارنده
نتیجه سفر درونی و رسیدن به درک عقل و پذیرش خویشتن	آرامش و رضایت ذهنی (پاداش نمادین)	شاهزاده خانم و پدرش

- نمودار توالی کارکردهای پراپ

$$\alpha \rightarrow \beta/a \rightarrow \gamma \rightarrow \delta \rightarrow B/\uparrow \rightarrow D \rightarrow E \rightarrow G \rightarrow K \rightarrow \downarrow \rightarrow W$$

بررسی ساختار افسانه‌های ایرانی (جلد اول)، (نوشته‌ی قاسم

(زاده)

کتاب «افسانه‌های ایرانی» گردآوری و بازنویسی محمد قاسم‌زاده از برجسته‌ترین نمونه‌های حفظ و بازآفرینی قصه‌های کهن ایرانی است. در این بخش افسانه‌های زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

- چوپان و فرشته

پیرمردی پسری بیمار و ضعیف داشت که همیشه مورد اذیت دیگران قرار می‌گرفت. پس از مرگ پدر، پسر چوپانی گوسفندان را بر عهده گرفت، اما چوپانان دیگر او را از زمین‌های پرعلف بیرون کردند و او ناچار شد گله کوچکش را در کوه و جنگل بچراند. روزی در جنگل، به زن زیبایی برخورد که زیر درختی

خوابیده بود و آفتاب تند ظهر صورتش را می‌سوزاند. پسر با دل‌سوزی ساییانی از شاخه‌های پربرگ بالای سر او ساخت. زن که در حقیقت فرشته‌ای گم‌شده بود، بیدار شد و از این مهربانی خوشش آمد و پاداشی از او خواست. پسر جز نیرویی برتر برای چراندن گوسفندانش و دفع آزار دیگران چیزی نخواست. فرشته به او نیروی فوق‌العاده‌ای بخشید، اما او را اندرز داد که تا زنده است این قدرت را به‌موقع و به‌سود مردم به‌کار برد، در کار نیک یاری‌رسان باشد، کسی را آزار ندهد و تنها با ظالمان بجنگد. جوان از آن پس پهلوانی نیرومند شد و نصیحت فرشته را هرگز فراموش نکرد و تا پایان عمر از توان خود در خدمت آسایش مردم ده استفاده نمود.

– پسر و غول بیابان

در زمان‌های قدیم، پسری با پدر و مادرش زندگی می‌کرد تا اینکه پدرش او را تشویق کرد برای آینده‌اش کاری یاد بگیرد. پسر به مزرعه پیرمردی رفت و پاداش خدمت هفت ساله‌اش را به‌صورت گردویی دریافت کرد که با شکستن آن، هزاران گاو و گوسفند و خوراکی‌های فراوان بیرون می‌آمد و او را به ثروت رساند. با این حال، غولی ظاهر شد و شرط گذاشت که اگر بتواند همه را دوباره داخل گردو کند، شب عروسی او را ببرد. پسر که آن زمان مجرد بود، پذیرفت و سال‌ها بعد وقتی پدرش اصرار کرد عروسی‌اش را

ببیند، راضی به ازدواج شد؛ اما شب مراسم از ترس غول گریخت و به کمک پیرزنی دستمالی جادویی گرفت که با دو بار تکان دادن، دیوار آتش را کنار می‌زد تا از آن عبور کند. در آن سوی دیوار، کلبه‌ای یافت و در ازای دادن دستمال به دختر همسایه، سه نان جادویی دریافت کرد که با فشردن آن‌ها سه سگ نیرومند پدید می‌آمدند. وقتی دختر با تکان دادن دستمال راه را برای غول باز کرد، سگ‌ها به یاری پسر شتافتند و غول آهنی را کشتند. در پایان، پسر به خانه بازگشت و با نامزدش عروسی کرد و قصه به خوشی به پایان رسید.

– تحلیل ریخت‌شناختی داستان بر پایه‌ی الگوی ولادیمیر پراپ

جدول ۱۱. فهرست نمادین کارکردها بر پایه‌ی نشانه‌گذاری پراپ

نماد پراپ	نام کارکرد	رویداد در داستان
α	صحنه آغازین	معرفی پسر و خانواده‌اش در زندگی ساده و آرام در روستا.
β	مرگ یا فقدان اولیه	فقر و ناتوانی پدر، که پسر را ناچار می‌کند خانه را ترک کند (نوعی فقدان امنیت).
γ	نهی یا دستور	پدر به پسر می‌گوید: «باید برای آینده‌ات کاری یاد بگیری» — دستور آغاز سفر.
δ	نقض نهی یا اجرای دستور	پسر فرمان پدر را می‌پذیرد و راهی سفر می‌شود (اجرای دستور مثبت).
ε / ζ	خبرگیری / خبردهی	در ملاقات با پیرمرد مزرعه‌دار، از وجود نیروی جادویی جهان آگاه می‌شود و خبر از آزمونی بزرگ می‌یابد.
D	نخستین خویشتکاری بخشنده	پیرمرد مزد هفت‌ساله‌ی کار او را در قالب یک گردوی ظاهرآبی ارزش اما جادویی می‌دهد.
η	آزمون نخست (فریب یا آزمون)	پسر با گردو مواجه می‌شود و از روی ناآگاهی آن را می‌شکند، بی‌آنکه بداند چه نیرویی دارد.
A	شرارت / آسیب	ظاهر شدن غول بیابان و شرط خطرناک او: «شب عروسی‌ات تو را می‌سوزانم» — تهدید مستقیم به جان قهرمان.
B	مأموریت یا دستور جدید	از این لحظه پسر مأمور می‌شود راهی برای نجات خود از سرنوشت محتوم بیابد.
↓	بازگشت به خانه (موقت)	پسر به خانه بازمی‌گردد و با ثروتی عظیم والدینش را خوشحال می‌کند.
L	ادعاهای بی‌پایه / انکار خطر	پدر هشدار پسر درباره‌ی غول را باور نمی‌کند («غول دروغ است»).
Pr	آغاز تعقیب / کشمکش	غول در شب عروسی ظاهر می‌شود و پسر مجبور به فرار می‌گردد.
D۲	نخستین یاریگر / بخشنده دوم	پیرزن در بیابان با اهدای دستمال جادویی به او کمک می‌کند (ایزار رهایی).
F۲	دریافت ابزار جادویی دوم	پسر دستمال جادویی را می‌گیرد و توان عبور از دیوار آتش را پیدا می‌کند.
G	انتقال مکانی / گذر از آستانه	عبور از دیوار آتش به سرزمینی تازه و امن (دنیای جادویی).
M	نخستین کار دشوار	پسر باید راهی برای مقابله با غول بیابد؛ ناتوان از جنگ مستقیم است.
F۳	دریافت یاری دوم	زن و دختر در کلبه، سه نان جادویی (سه سگ با قدرت‌های متفاوت) به او می‌دهند.
N / H	انجام کار دشوار / نبرد نهایی	غول از آتش عبور می‌کند و سه سگ وارد نبرد می‌شوند؛ سگ آهن‌خوار سر غول را می‌جود — نابودی شر.
I	پیروزی قهرمان	غول نابود می‌شود و پسر از تهدید رها می‌گردد.
Rs	رهایی / نجات کامل	پسر آزاد می‌شود و به جهان عادی بازمی‌گردد.
Q	شناخته‌شدن / آگاهی جامعه	خانواده و مردم درمی‌یابند که او حقیقتاً قهرمان است.
W	پاداش نهایی / ازدواج و آرامش	پسر با دختر دلخواهش ازدواج می‌کند و داستان با خوشی پایان می‌یابد.

جدول ۱۲. شخصیت‌های داستان پسر و غول بیابان

توضیح عملکرد در روایت	شخصیت (ها) در داستان	نقش پراپی
از خانه بیرون می‌رود، آزمون‌های سخت را می‌گذراند، و با کمک نیروهای جادویی بر غول پیروز می‌شود.	پسر جوان	قهرمان
نیروی شرّ، آزمون مرگ و تهدیدکننده‌ی قهرمان در شب عروسی.	غول بیابان	شریر
هر یک در مرحله‌ای از سفر، ابزار یا دانشی جادویی به قهرمان می‌بخشند.	۱. پیرمرد مزرعه‌دار، ۲. پیرزن بیابان، ۳. زن و دختر در کلبه	بخشنده
در نبرد نهایی با غول، به یاری قهرمان می‌آیند و او را از مرگ نجات می‌دهند.	سه سنگ جادویی	یارینگر
با دستور «برو و کاری یاد بگیر» باعث آغاز سفر قهرمان می‌شود.	پدر قهرمان	گسیل‌دارنده
نماد آرامش و پاداش نهایی در پایان داستان.	دختر همسر پسر و خانواده‌اش	شاهزاده‌خانم و پدرش
کسی به دروغ جای قهرمان را نمی‌گیرد؛ تنها پدر در بخشی از داستان، واقعیت خطر را انکار می‌کند.	ندارد	قهرمان دروغین

– نمودار توالی کارکردهای پراپ

$$\alpha \rightarrow \beta \rightarrow \gamma \rightarrow \delta \rightarrow D \rightarrow \eta \rightarrow A \rightarrow B \rightarrow \downarrow \rightarrow L \rightarrow Pr \rightarrow D2 \rightarrow F2 \rightarrow G \rightarrow M \rightarrow F3 \rightarrow N \rightarrow H \rightarrow I \rightarrow R_s \rightarrow Q \rightarrow W$$

– خارکش پیر و درخت اشرفی

خارکش ساده‌دل راز را برای زنش فاش کرد و مرد حسود که پشت در صدای آن را شنیده بود، با شاهد گرفتن جمعیت او را در شرطی فریب داد و تمام دارایی‌اش را تصاحب کرد. پیرمرد دوباره به همان روز خارکشی افتاد و در حالی که در بیابان گریه می‌کرد، همان مرد خیرخواه بار دیگر ظاهر شد و برای جبران، او را به شرط تازه‌ای با مرد حسود راهنمایی کرد. پسر در شرطی پرسید که فردا آفتاب از کدام سو طلوع می‌کند؛ مرد حسود گفت از راست، حال آنکه آن روز آفتاب از چپ بالا آمد و همه مردم شاهد این معجزه بودند، چنان‌که خارکش پیر توانست ثروت ازدست‌رفته‌اش را بازپس بگیرد و پیروزی‌اش را بر حقه‌باز حسود جشن بگیرد.

در زمان‌های قدیم، پیرمرد خارکشی فقیر با زن و چند بچه‌اش زندگی می‌کرد و با الاغ به کوه می‌رفت و خار جمع می‌کرد تا لقمه‌ای برای خانواده‌اش فراهم کند. روزی در بیابان، مردی ناشناس از خواب بیدارش کرد و به او آموخت که سر و دم مار را ببرد و تنه‌اش را در چاله‌ای دفن کند تا پس از چند سال درختی پر از اشرفی (سکه طلا) سبز شود؛ اما او را به شدت از افشای رازش به همسرش برحذر داشت. پیرمرد همان‌گونه عمل کرد و به ثروت سرشاری رسید و بچه‌هایش در ناز و نعمت زندگی کردند. مردی حسود که به خانه او پی برده بود، نزد زن خارکش رفت و او را واداشت با تظاهر به بیماری، راز شوهرش را کشف کند.

– تحلیل ریخت‌شناختی داستان بر پایه‌ی الگوی ولادیمیر پراپ

جدول ۱۳. فهرست نمادین کارکردها بر پایه‌ی نشانه‌گذاری پراپ

نماد پراپ	نام کارکرد	رویداد در داستان
α	صحنه آغازین	معرفی پیر خارکش فقیر و خانواده‌اش در فقر و تنگدستی.
β	مرگ یا فقدان اولیه	فقر و ناتوانی پیرمرد در کار (جایگزین مرگ پدر یا فقدان مستقیم).
γ	نهی یا دستور	مرد غریبه به خارکش می‌گوید: «راز درخت را به زنت نگو».
δ	نقض نهی	پیرمرد راز درخت را برای زنش فاش می‌کند.
ϵ	خبرگیری	مرد حسود از راز ثروت خارکش کنجکاو می‌شود و از زن می‌پرسد.

ζ	خبردهی	زن راز را از شوهر می‌گیرد و مرد حسود به آن پی می‌برد.
η	فریب یا آزمون	زن به نیرنگ، خود را به مریضی می‌زند تا راز را بفهمد.
θ	همدستی	زن با مرد حسود همکاری می‌کند تا راز را کشف کنند.
A	شرارت / آسیب	مرد حسود راز را فاش می‌کند و با نیرنگ، ثروت را از پیرمرد می‌گیرد.
a	کمبود یا نیاز	از دست رفتن دارایی و بازگشت پیرمرد به فقر.
B	مأموریت یا تصمیم قهرمان	پیرمرد از خدا کمک می‌خواهد و با مرد غریبه دوباره دیدار می‌کند.
C	مقابله آغازین	تصمیم پیرمرد برای جبران اشتباه و بازپس‌گیری مال.
↑	عزیمت	پیرمرد به‌سوی خانه مرد حسود می‌رود تا دوباره شرط ببندد.
D	نخستین خویشتکاری بخشنده	مرد غریبه (یا نیروی ماورایی) دوباره ظاهر می‌شود و راه چاره می‌دهد.
E	واکنش قهرمان	پیرمرد با ایمان و اطاعت از فرمان عمل می‌کند.
F	دریافت ابزار جادویی / کمک جادویی	وعده یاری خدا و معجزه‌ی آفتاب که جهتش برعکس می‌شود.
G	انتقال مکانی یا راهنمایی	راهنمایی برای بازگشت و مواجهه با مرد حسود.
H	کشمکش یا نبرد نهایی	شرط دوم با مرد حسود (آزمون نهایی).
I	پیروزی	بر خلاف عادت، آفتاب از سمت چپ طلوع می‌کند؛ معجزه و پیروزی خارکش.
J	داغ / نشانه‌گذاری	نشانه الهی (طلوع غیرعادی خورشید) موجب شناخت راستگویی پیرمرد می‌شود.
K	آگاهی / کشف	مردم به حقیقت پی می‌برند و می‌فهمند پیرمرد بی‌گناه بوده است.
↓	بازگشت قهرمان	خارکش دوباره به خانه بازمی‌گردد.
Rs	رهایی	از فقر و بدنامی نجات می‌یابد.
U	مجازات	مرد حسود رسوا می‌شود و دارایی‌اش را از دست می‌دهد.
W	پاداش نهایی / بازگشت به سعادت	خارکش دوباره ثروت و آرامش را به‌دست می‌آورد.

جدول ۱۴. شخصیت‌های داستان خارکش پیر و درخت اشرفی

توضیح عملکرد در روایت	شخصیت(ها) در داستان	نقش پرایی
شخصیتی ساده‌دل، صادق و فقیر که با کار سخت زندگی می‌کند. او در پی بهبود زندگی خانواده‌اش است. ابتدا موفق می‌شود، اما به دلیل نقض نهی سقوط می‌کند. در نهایت با آزمون دوم و ایمان دوباره، پیروز و رستگار می‌شود.	خارکش پیر	قهرمان
عامل اصلی شرارت و آسیب. با نیرنگ و حسادت باعث فاش شدن راز قهرمان و از بین رفتن دارایی‌اش می‌شود. در پایان با مداخله‌ی نیروهای غیبی مجازات می‌شود.	مرد حسود	شرور
در ظاهر بی‌گناه ولی عملاً باعث نقض نهی می‌شود. فریب مرد حسود را می‌خورد و راز شوهر را برملا می‌کند. او نماینده‌ی وسوسه، کنجکاوی و ناپایداری انسانی است.	زن خارکش	همدست شرور / فریب‌خورده
در آغاز، راز درخت اشرفی را به خارکش می‌دهد و در پایان دوباره ظاهر می‌شود تا راه نجات و جبران را نشان دهد. نماینده‌ی عقل کل یا نیروی الهی است که قهرمان را راهنمایی می‌کند.	مرد غریبه‌ی نخستین (نیروی ماورایی)	بخشنده
در آزمون دوم به یاری قهرمان می‌آید و جهت خورشید را تغییر می‌دهد تا بی‌گناهی او آشکار شود. این نیرو همان ابزار جادویی (F) روایت است.	قدرت الهی / معجزه‌ی خورشید	یار جادویی
نماد سعادت و آرامش از دست‌رفته است. قهرمان باید دوباره آن را به‌دست آورد. در ساختار پراپ، ثروت نقش پاداش نهایی (W) را دارد.	ثروت و درخت اشرفی	دختر / پاداش / هدف
عامل محرک حرکت اولیه قهرمان به سوی کوه و سپس مواجهه با نیروی غیبی.	فقر و نیاز خانوادگی	فرستنده
دوباره ظاهر می‌شود تا نقشه پیروزی در شرط دوم را به قهرمان بدهد.	مرد غریبه در دیدار دوم	یاری‌دهنده در بازگشت
پس از سقوط، وارد مرحله نوزایش می‌شود و در قالب قهرمان آزموده بازمی‌گردد.	خود خارکش در مرحله دوم داستان	قهرمان بازگشتی / ناجی

- نمودار توالی کارکردهای پراپ

$$\alpha \rightarrow \beta \rightarrow \gamma \rightarrow \delta \rightarrow \varepsilon \rightarrow \zeta \rightarrow \eta \rightarrow \theta \rightarrow A \rightarrow a \rightarrow B \rightarrow C \rightarrow \uparrow \rightarrow D \rightarrow E \rightarrow F \rightarrow G \rightarrow H \rightarrow I \rightarrow J \rightarrow K \rightarrow \downarrow \\ \rightarrow R_s \rightarrow U \rightarrow W$$

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

پژوهش حاضر با هدف مقایسه ساختار افسانه‌های فارسی و ترکی بر اساس نظریه ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ انجام گرفت. در این پژوهش، با بهره‌گیری از الگوی کارکردی پراپ، توالی کنش‌ها، نقش‌های شخصیتی و روابط میان عناصر روایی در دو مجموعه افسانه‌های ایرانی، جلد اول و افسانه‌های دیار شهریار بررسی شد. نتایج نشان داد که افسانه‌های هر دو مجموعه، با وجود تفاوت‌های زبانی، فرهنگی و روایی، در بسیاری از موارد از الگوی بنیادین پراپ پیروی می‌کنند و ساختار آن‌ها بر پایه مجموعه‌ای از کنش‌های تکرارشونده، مانند ایجاد فقدان یا آسیب، حرکت قهرمان، رویارویی با آزمون، دریافت یاری، مبارزه، پیروزی، رفع کمبود و بازگشت، شکل می‌گیرد. باین‌حال، میزان انطباق روایت‌ها با الگوی کلاسیک پراپ یکسان نیست و در برخی افسانه‌ها حذف، تکرار، ادغام یا جابه‌جایی خویشکاری‌ها مشاهده می‌شود. این امر نشان می‌دهد که الگوی پراپ در افسانه‌های فارسی و ترکی به‌صورت کاملاً ثابت و مکانیکی بازتولید نشده، بلکه متناسب با زمینه‌های فرهنگی، زبانی و روایی هر مجموعه تغییر یافته است.

در مجموعه افسانه‌های ایرانی، جلد اول، ساختار روایت‌ها منسجم‌تر و به الگوی کلاسیک پراپ نزدیک‌تر است. بسیاری از افسانه‌های این مجموعه با ایجاد نوعی فقدان، آسیب یا وضعیت بحرانی آغاز می‌شوند و پس از طی مراحل آزمون، یاری، مبارزه و پیروزی، به رفع کمبود و بازگشت یا فرجام مطلوب قهرمان می‌انجامند. توالی نسبتاً منظم خویشکاری‌ها و وضوح بیشتر نقش‌های روایی در این مجموعه، بیانگر ساختاری نظام‌مندتر است که احتمالاً تا حدی از گزینش و ویرایش ادبی روایت‌ها تأثیر

پذیرفته است. در مقابل، مجموعه افسانه‌های دیار شهریار، با وجود برخورداری از برخی کارکردهای اصلی پراپ، ساختاری ساده‌تر، کوتاه‌تر و فشرده‌تر دارد. در این مجموعه، رخداد‌های روایی با سرعت بیشتری پیش می‌روند و برخی نقش‌ها در یک شخصیت یا موجود ادغام می‌شوند؛ برای نمونه، نقش یاری‌دهنده و بخشنده گاه بر عهده یک شخصیت واحد قرار می‌گیرد. همچنین، در برخی روایت‌ها، مراحل میانی سفر قهرمان حذف یا به‌صورت ضمنی بیان شده‌اند. این ویژگی را می‌توان با ماهیت بومی و شفاهی روایت‌ها، کوتاهی افسانه‌ها و تأکید آن‌ها بر زبان و فرهنگ محلی مرتبط دانست.

بررسی تطبیقی دو مجموعه نشان داد که تفاوت میان آن‌ها تنها به تعداد یا ترتیب خویشکاری‌ها محدود نمی‌شود، بلکه در شیوه شکل‌گیری نقش‌های کنشی، میزان پیچیدگی روایت و نوع پایان‌بندی افسانه‌ها نیز نمود می‌یابد. در مجموعه فارسی، نقش‌های قهرمان، بدکار، یاری‌دهنده و بخشنده معمولاً تفکیک‌شده‌تر و مسیر حرکت قهرمان آشکارتر است؛ درحالی‌که در مجموعه ترکی، این نقش‌ها گاه درهم‌تنیده یا فشرده می‌شوند و روایت با استفاده از عناصر محدودتر، معنا و نتیجه اصلی خود را منتقل می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت که مجموعه افسانه‌های ایرانی از نظر نظم روایی و توالی خویشکاری‌ها، بیشترین نزدیکی را به الگوی پراپ دارد؛ درحالی‌که افسانه‌های دیار شهریار، اگرچه از همان الگوی بنیادین بهره می‌گیرد، آن را در قالبی کوتاه‌تر، ساده‌تر و متأثر از بافت فرهنگی و شفاهی منطقه بازآفرینی می‌کند.

بنابراین، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که افسانه‌های فارسی و ترکی، علی‌رغم تفاوت‌های موجود، از ساختاری روایی نسبتاً

مشترک و قابل شناسایی برخوردارند. با این حال، عناصر فرهنگی، اخلاقی، عرفانی، اسطوره‌ای و بومی، الگوی پراپی را در هر دو مجموعه دگرگون کرده و به آن ویژگی‌های خاص فرهنگی بخشیده‌اند. نگاه اخلاقی به کنش‌های شخصیت‌ها، پیوند میان عناصر اسطوره‌ای و باورهای عامیانه، نقش نیروهای فراطبیعی و حضور نمادهای بومی، سبب شده است که خویشکاری‌های پراپی در بستر ایرانی معنایی متفاوت از نمونه‌های روسی پیدا کنند. از این رو، نظریه پراپ را نمی‌توان تنها ابزاری برای شناسایی و طبقه‌بندی عناصر ساختاری افسانه‌ها دانست، بلکه این نظریه امکان بررسی چگونگی بومی‌شدن الگوهای روایی و بازتاب هویت فرهنگی در ساختار داستان‌ها را نیز فراهم می‌کند. نتایج پژوهش همچنین نشان می‌دهد که ساختارهای روایی، با وجود برخورداری از الگوهای مشترک، در فرهنگ‌های گوناگون بر اساس نیازها، ارزش‌ها و تجربه‌های جمعی هر جامعه بازسازی می‌شوند.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش، دشواری تعیین مرز دقیق برخی خویشکاری‌ها در افسانه‌های مورد بررسی بود؛ زیرا در شماری از روایت‌ها، یک کنش ممکن است هم‌زمان چند کارکرد داشته باشد یا چند خویشکاری در قالب یک رخداد واحد ادغام شده باشند. همچنین تفاوت‌های زبانی و سبکی، تغییرات ناشی از بازنویسی و ویرایش، حذف یا تلخیص برخی بخش‌های روایت و نیز شیوه ثبت افسانه‌ها در منابع مکتوب، گاه تشخیص توالی دقیق کنش‌ها و تطبیق مستقیم آن‌ها با الگوی کلاسیک پراپ را دشوار می‌کرد. افزون بر این، نظریه پراپ عمدتاً بر ساختار قصه‌های جادویی و مسیر حرکت قهرمان تمرکز دارد و نمی‌تواند همه ابعاد معنایی، اخلاقی، اجتماعی، عرفانی و اسطوره‌ای افسانه‌های فارسی و ترکی را به‌طور کامل پوشش دهد؛ به‌ویژه آنکه تفاوت‌های فرهنگی و زبانی دو مجموعه سبب می‌شود برخی کارکردهای مشابه، در هر یک معنا، اهمیت و کارکردی متفاوت پیدا کنند. از سوی دیگر، این پژوهش بر منابع کتابخانه‌ای و متون مکتوب

استوار بوده و روایت‌های زنده شفاهی را دربرنمی‌گیرد؛ از این رو، پویایی روایت، شیوه اجرای قصه، نقش راوی، واکنش مخاطبان و تغییرات احتمالی افسانه‌ها در فرایند نقل شفاهی در آن بررسی نشده است. هرچند روایت مکتوب امکان تحلیل منظم‌تر و مقایسه دقیق‌تر افسانه‌ها را فراهم می‌کند، ممکن است بخشی از ویژگی‌های اجرایی، زبانی و فرهنگی روایت شفاهی را حذف یا تعدیل کرده باشد. همچنین محدودیت زمانی پژوهش، امکان تحلیل گسترده‌تر همه افسانه‌ها و بررسی جزئی‌تر تمامی خویشکاری‌ها، نقش‌ها و روابط روایی را کاهش داده و دامنه مقایسه میان گونه‌های مختلف افسانه را محدود کرده است.

با توجه به نتایج و محدودیت‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده روایت‌های شفاهی معاصر از مناطق فارسی‌زبان و ترک‌زبان ایران به‌صورت میدانی گردآوری و با نسخه‌های مکتوب افسانه‌ها مقایسه شوند. چنین پژوهش‌هایی می‌تواند تأثیر گویش، شیوه روایتگری، شرایط اجتماعی، جنسیت راوی و تغییرات فرهنگی را بر ساختار و محتوای افسانه‌ها آشکار سازد. همچنین، مقایسه افسانه‌های فارسی و ترکی ایران با افسانه‌های ترکیه، جمهوری آذربایجان، ارمنستان و کشورهای عربی می‌تواند به شناخت بهتر شباهت‌ها، تفاوت‌ها و مسیرهای انتقال بن‌مایه‌ها و الگوهای روایی در میان فرهنگ‌های منطقه کمک کند. ترکیب نظریه پراپ با رویکردهای جدید روایت‌شناسی، مانند نظریه کنشگران گریماس و دیدگاه‌های بارت و تودوروف، نیز می‌تواند امکان بررسی هم‌زمان ساختار، معنا، نماد و گفتمان افسانه‌ها را فراهم آورد. بررسی نقش و جایگاه زنان در افسانه‌های فارسی و ترکی با استفاده از رویکردهای فمینیستی و مردم‌شناسی جنسیت، تحلیل افسانه‌ها از منظر روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، اسطوره‌شناختی و زبان‌شناختی، و تدوین بانک اطلاعاتی یا اطلس ساختار روایی افسانه‌های ایران نیز از دیگر زمینه‌های ارزشمند برای پژوهش‌های آینده است. ایجاد چنین بانک اطلاعاتی می‌تواند

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Folktales constitute one of the most enduring forms of oral literature and provide valuable evidence regarding the beliefs, values, aspirations, collective memories, symbolic systems, and cultural worldviews of the communities in which they are produced and transmitted. Because folktales are repeatedly retold across generations, they preserve both relatively stable narrative patterns and culturally specific variations that reflect the historical and social environments of their narrators. From a structural perspective, the significance of folktales lies not only in their themes and characters but also in the recurrence of particular narrative actions and relationships. Vladimir Propp's morphological approach provided one of the earliest systematic frameworks for identifying these recurrent structural elements. By examining Russian wonder tales, Propp argued that the apparent diversity of stories conceals a comparatively stable sequence of narrative functions performed by changing characters, and he identified thirty-one principal functions as well as several recurring spheres of action (5). Propp's model subsequently became an influential framework for structural studies of narrative because it shifted analytical attention from the identity of characters to what

علاوه بر کمک به حفظ و مستندسازی میراث شفاهی و فرهنگی ایران، زمینه استفاده علمی و خلاقانه از افسانه‌ها را در آموزش ادبیات، تولید آثار نمایشی، انیمیشن، ادبیات کودک و بازی‌های بومی فراهم سازد.

characters actually do within the narrative sequence. Studies applying this framework to Persian and regional Iranian narratives have shown that many tales can be analyzed through recurring functions such as interdiction, violation, villainy, lack, departure, donor testing, acquisition of a magical agent, struggle, victory, return, recognition, punishment, and reward (1, 10, 11). Research on Iranian folktales and local narrative traditions has likewise demonstrated that Proppian morphology can provide an effective basis for identifying common structural patterns while simultaneously revealing differences resulting from genre, locality, oral transmission, and cultural adaptation (4, 7). The present study therefore undertook a comparative morphological analysis of Persian and Turkish folktales, focusing on selected narratives from *Iranian Folktales, Volume One* and *Folktales of Shahriyar*, with the aim of determining the extent to which their narrative organization corresponds to Propp's model and identifying the structural features through which each corpus reflects its own linguistic and cultural context.

The theoretical significance of such a comparison derives from the fact that folktales from different Iranian cultural regions often share broad narrative mechanisms while

differing in the realization, combination, omission, or symbolic interpretation of individual functions. Previous research has established the applicability of Propp's model to a wide range of Persian, Azerbaijani, Qashqai, Bakhtiari, Kurdish, and other local narratives, although the degree of conformity to the original Russian model varies considerably (3, 7, 9). Studies of Azerbaijani narratives in particular have demonstrated the persistence of recognizable Proppian patterns in tales structured around deprivation, testing, supernatural assistance, deception, struggle, and eventual reward or punishment (8, 12). Likewise, analyses of Iranian folktales have shown that narrative functions frequently occur in recognizable sequences, although some functions may be compressed, repeated, displaced, or fused with others according to the thematic demands of a particular tale (4, 6). This flexibility is especially important when Propp's morphology is applied outside the corpus from which it was originally derived. In oral traditions, the storyteller may shorten transitional stages, combine the donor and helper into a single figure, replace magical objects with moral insight or social assistance, or redefine the final reward in terms of family stability, ethical recognition, prosperity, social respect, or spiritual restoration. Azerbaijani folk narratives also frequently retain elements of local social life, rural experience, proverbial wisdom, supernatural belief, and ethical instruction, while their plots may be comparatively compressed and rapidly

resolved (2, 13). These characteristics suggest that a comparative morphological study should not simply measure whether a tale reproduces all thirty-one functions, but should examine how the narrative transforms the structural model in response to cultural convention. Accordingly, the present research approached Propp's theory as both a classificatory framework and a comparative analytical instrument capable of demonstrating how structurally related stories acquire distinct cultural forms.

Methodologically, the study adopted a qualitative analytical-comparative design. The research corpus consisted of selected tales from two collections representing Persian and Turkish narrative traditions: *Iranian Folktales, Volume One*, compiled and rewritten by Mohammad Qasemzadeh, and *Folktales of Shahriyar*, collected by Jafar Kouhi. The latter collection is particularly important because it documents the oral literature of Azerbaijan and preserves local forms of expression, narrative economy, and cultural imagery (13). Each independent tale was treated as a separate unit of analysis. The narratives were read repeatedly, and their principal events, character actions, conflicts, transitions, and outcomes were identified. Each narrative sequence was then coded according to Propp's thirty-one functions, including initial situation, interdiction, violation, reconnaissance, delivery, deception, complicity, villainy, lack, mediation, counteraction, departure, donor testing, hero's

reaction, acquisition of a magical agent, spatial transference, struggle, victory, liquidation, return, pursuit, rescue, recognition, punishment, and wedding or final reward, where applicable (5). Character roles were also analyzed according to Propp's principal spheres of action, including hero, villain, donor, helper, dispatcher, sought-for person or equivalent object of desire, and false hero. Because the analyzed tales did not always reproduce these categories literally, symbolic equivalents were accepted when the narrative function was structurally clear. Thus, wealth, family restoration, social recognition, peace, or moral vindication could perform the role of the final reward, while an internal quality such as wisdom could occasionally replace an external helper. Particular attention was given to the presence, absence, repetition, displacement, integration, and substitution of functions, because previous applications of Propp's approach to Persian and regional narratives indicate that such variations are common and analytically significant (14, 15). The comparative stage then examined the sequencing of functions, number and complexity of narrative movements, differentiation of character roles, density of supernatural elements, and degree of conformity to the classical Proppian pattern. The analysis of the Turkish tales from *Folktales of Shahriyar* revealed that their narrative structures generally conform to a recognizable Proppian logic but tend to be shorter, more compressed, and less

elaborately differentiated than the Persian tales. In "Sazim Dingir, Dingir," the narrative develops from an initial state of deprivation through departure, testing, supernatural assistance, acquisition of wealth, return, imitation by false heroes, punishment, and final prosperity. The first brother functions as the hero, while the supernatural cat combines the roles of donor and helper; the two envious brothers operate simultaneously as false heroes and morally negative counterparts. This type of role fusion accords with the structural economy often observed in Azerbaijani folktales, where a limited number of characters may perform several narrative functions (2, 8). In "The Tale of the Goat," the narrative is organized around interdiction, violation, villainy, disclosure, departure, struggle, victory, punishment, return, and restoration. The wolf is clearly the villain, whereas the mother goat assumes the hero's role and, unusually, also performs donor-like functions through her own intelligence and strategic action. In "The King and the Shepherd," supernatural objects are absent, and moral integrity functions as the hero's principal resource. The jealous minister creates the crisis through deception and misrepresentation, while the shepherd survives the ordeal through honesty, leading to discovery, recognition, punishment of the villain, and reward. "Foolish People" is even more structurally compressed and replaces a conventional villain with ignorance and irrationality as symbolic antagonistic forces.

The hero's journey is primarily epistemic rather than combative: he departs because of confusion, encounters increasingly irrational behavior, acquires comparative understanding, and returns with psychological satisfaction. These findings confirm that Azerbaijani and Turkish folk narratives can preserve Proppian structural relationships while modifying their external form and reducing the number of explicit functions (12, 13). The dominant tendency in these narratives is therefore not strict replication of Propp's classical sequence but functional condensation, role integration, and rapid movement toward an ethical or practical resolution.

The Persian tales examined in *Iranian Folktales, Volume One* displayed a comparatively more elaborate and sequentially developed morphological organization. "The Shepherd and the Angel" begins with deprivation and social vulnerability, proceeds through encounter and testing, and culminates in the acquisition of supernatural power, moral instruction, return, and socially beneficial action. The angel clearly performs the donor function, while the shepherd's compassion constitutes the positive reaction that enables him to receive extraordinary strength. The tale therefore demonstrates the close relationship between ethical merit and magical reward frequently found in Iranian narrative traditions. "The Boy and the Desert Giant" presents an even more extensive Proppian chain: the hero departs in

response to paternal instruction, serves a donor figure, receives a magical object, encounters a threatening villain, undergoes pursuit, obtains successive forms of supernatural assistance, crosses into another space, faces a difficult task, receives magical helpers, defeats the giant, returns, is recognized, and ultimately achieves marriage and security. The repetition of donor functions and magical acquisitions creates a multi-stage heroic movement resembling the more complex structures described in previous morphological studies of Iranian narratives (4, 6). "The Old Thorn-Gatherer and the Ashrafi Tree" similarly develops through a chain of interdiction, violation, deception, complicity, villainy, loss, renewed mediation, donor assistance, struggle, miraculous confirmation, recognition, punishment, and restoration. Unlike the relatively linear Turkish tales, this story contains a fall-and-recovery pattern in which the protagonist first acquires prosperity, loses it because of violating an interdiction, and then regains it through a second sequence of testing and supernatural assistance. Such recursive or repeated structures indicate that Proppian functions may recur within the same tale as part of successive narrative movements (10, 11). Overall, the Persian corpus showed clearer differentiation among hero, villain, donor, helper, dispatcher, and reward, together with more explicit use of magical objects and supernatural intervention. This greater structural elaboration suggests a closer

correspondence with the classical morphological pattern, although the functions are still culturally transformed through moral, religious, familial, and communal values.

In conclusion, the comparative analysis demonstrates that Persian and Turkish folktales share a recognizable underlying narrative grammar despite substantial differences in language, locality, narrative length, cultural imagery, and mode of transmission. Both corpora repeatedly organize their plots around disruption or lack, movement away from an initial condition, testing or confrontation, some form of assistance, transformation of the hero's situation, victory or recognition, and eventual restoration. The main distinction lies in the degree of elaboration and distribution of functions. The Persian tales generally exhibit longer sequences, more clearly differentiated character roles, multiple donor or helper episodes, stronger supernatural mediation, and more explicit stages of heroic development. By contrast, the Turkish tales from *Folktales of Shahriyar* tend to compress the same structural principles into shorter narrative units, frequently merging several Proppian roles into a single character and replacing elaborate magical sequences with moral intelligence, practical action, social experience, or symbolic forms of assistance. The findings therefore support the usefulness of Propp's morphology as a comparative framework, but they also show that the model should not be applied mechanically. The

absence of a function does not necessarily indicate structural deficiency, and the fusion of roles should not be interpreted as deviation in a negative sense. Rather, such variations reveal the adaptive capacity of oral narrative traditions and demonstrate how shared story structures are reshaped according to the ethical, social, linguistic, and symbolic priorities of particular communities. The study consequently suggests that morphological analysis is most productive when structural regularity is examined together with cultural transformation, because this combined perspective makes it possible to identify both the common narrative architecture of folktales and the distinctive cultural meanings through which that architecture is realized.

References

1. Avand S, Ahmadi R. Morphology of the Tale 'Pistachio and the Seven Brothers' from Simorgh: Tales of the People of Iran Based on Vladimir Propp's Theory. *Ormazd Research Journal*. 2018(42):39-53.
2. Neghabi A, Pourasiab Dizaj T. A Plot-Structure Analysis of Azerbaijani Folk Tales. *Culture and Folk Literature*. 2018;6(22):125-50.
3. Kiani S. Morphology of Qashqai Tribal Folktales Based on Propp's Theory with Emphasis on the Tale 'Seydi Khan and Parizad'. Tehran, Iran 2020.
4. Allami Z, Ahmadi H. Morphology of the Tales of Destiny, Tamati, and Tiztan from Iranian Folktales Based on Propp's Model. *Research Journal of Fiction Literature*. 2019;8(1):69-94.
5. Propp V. Morphology of the Folktale. 2nd ed. Badre'i F, editor: Tous Publications; 2007.
6. Abyar F. A Study of the Folk Tale 'The Foal of Cloud and Wind' Based on Vladimir Propp's Morphological Model. Tbilisi, Georgia 2021.
7. Mahmoudi Kouhi M, Hatampour S. Morphology of Bakhtiari Folk Tales Based on Vladimir Propp's Model. *Tribal and Nomadic Studies*. 2017;7(2):111-32.
8. Noaliabad K, Farzi H, Amani Astamal R. A Structural Study of Ten Tales from Local

- Azerbaijani Folklore Based on Vladimir Propp's Theory. Quarterly Journal of Literature and Local Languages of Iran. 2023;13(3):45-68.
9. Azarinoush S. Kurdish Folktales: Jeyhoun Publications; 2013.
10. Farzi H, Fakhimi Faryabi F. Morphology of 'The Seven Labors of Rostam' from Ferdowsi's Shahnameh Based on Vladimir Propp's Theory. Epic Literature Research Journal. 2013;9(16):125-46.
11. Fallah Nadali M, Gorji M, Aboumahboub A. Morphology of the Poem Amir and Gowhar Based on Vladimir Propp's Theory. Culture and Folk Literature. 2017;5(15):113-35.
12. Ghadiri Samian K, Asadollahi K. A Comparison of the Azerbaijani Tale 'Fateme Khanom' and the Western Tale 'The Kind Girl of the Stars' Based on Vladimir Propp's Morphological Model. Shahriyar Studies. 2021;8(33):519-38.
13. Kouhi J. Folktales of Shahriyar: Oral Literature of Azerbaijan: Soureh Mehr Publications; 2010.
14. Derakhshannasab A, Fahimkalam M, Mohseni M. A Comparative Study of the Narrative Structure of the Tale 'Gonbad-e Meshkin' and Voltaire's 'Zadig' Based on Vladimir Propp's Morphological Components. Research in French Language and Translation. 2020;3(1):71-88.
15. Ahmadi H, Allami Z. A Study of Vahshi Bafqi's Nazem and Manzur Based on Propp's Morphological Model. Research Journal of Fiction Literature. 2023;12(1):1-24.